

نقش حکومت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه مفسران متقدم و متأخر

علیرضا شاه فضل قمصری*

چکیده

یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت دینی اجرای امر به معروف و نهی از منکر، به منظور اصلاح جامعه است. مفسران قرآن کریم، اشاره‌هایی به نقش حکومت در انجام این فریضه داشته‌اند. هدف این نوشتار بررسی تطبیقی نقش حکومت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه مفسران متقدم و متأخر فریقین است. مطالعه حاضر با روش اسنادی و تحلیلی به بررسی دیدگاه‌های مفسران پرداخته است. بدین منظور دیدگاه‌های مفسران، در آیات مربوط به امر به معروف، به ویژه آیات ۱۰۴ آل عمران و ۴۱ حج، مورد بررسی قرار گرفت و در چند بخش تقسیم‌بندی شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد مفسران متقدم کمتر به نقش حکومت در انجام این فریضه پرداخته‌اند، اما مفسران متأخر بر ضرورت ورود حکومت به این مقوله تأکید دارند و وظایفی را برای حکومت در این زمینه مشخص نموده‌اند. نتیجه اینکه ضرورت ورود حکومت به مسئله فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بیشتر می‌شود و این موضوع حاکی از آن است که حکومت‌های دینی، به منظور اجرای احکام اسلامی، ناگزیر از ساختارمند کردن مسائل مرتبط با این فریضه هستند.

واژگان کلیدی

آیه ۱۰۴ آل عمران، آیه ۴۱ حج، حکومت دینی، امر به معروف، نهی از منکر.

طرح مسئله

امربه معروف و نهی ازمنکر یکی از مهم‌ترین واجبات دینی است که در قرآن کریم نسبت به آن تأکیدات فراوانی وجود دارد. مفسرین شیعه و سنی در باب آیاتی که در این موضوع وجود دارد نکات ارزشمندی بیان نموده‌اند. با بررسی دیدگاه‌های مفسرین، درمی‌یابیم که اختلاف نظرهایی در برخی از ابعاد این فریضه وجود دارد. برخی از اختلافات عبارتند از اینکه: ۱. آیا امربه معروف وظیفه عمومی است^۱ یا بر عهده افراد خاصی می‌باشد؟^۲ ۲. آیا این فریضه وظیفه حاکمیت است^۳ یا وظیفه تک‌تک مسلمانان؟^۳ آیا امربه معروف نیاز به علم و دانش خاصی دارد^۴ یا بر عموم مسلمانان واجب است؟^۵ ۴. آیا استفاده از سلاح و قوای نظامی در امربه معروف جایز است؟^۵ ۵. آیا امربه معروف در زمان سلطه حاکمیت دینی واجب است یا در سایر زمان‌ها نیز وجوب دارد؟ ۶. آیا امربه معروف واجب عینی^۷ است یا واجب کفایی؟^۸ جمع‌بندی دیدگاه مفسرین متقدم و متأخر در این زمینه، می‌تواند ما را به الگویی مناسب در اجرای این فریضه در زمان استقرار حکومت دینی برساند.

پیشینه

پژوهشگران محترم در زمینه رابطه حاکمیت و امربه معروف تلاش‌هایی انجام داده‌اند. عظیمی‌نیا و همکاران در پژوهشی به نقش رهبری جامعه در امربه معروف و نهی ازمنکر اشاره نموده و به رابطه مردم و حاکمان در این زمینه پرداخته است.^۹ حبیبی و همکاران در مقاله‌ای به نقش مردم در امربه معروف و نهی ازمنکر مسئول حکومتی از دیدگاه فقه امامیه اشاره نموده است و عدم تبیین این مسئله از طرف حاکمیت را موجب بروز هرج و مرج در جامعه می‌داند.^{۱۰} دانیاری در کتابی به نقش حکومت اسلامی در

۱. فخر رازی، *تفسیر کبیر*، ج ۸، ص ۳۱۵.

۲. طوسی، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۵۴۸.

۳. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۳۵۷.

۴. ابن عربی، *تفسیر ابن عربی*، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵. رشید رضا، *تفسیر المنار*، ج ۴، ص ۲۷.

۶. قطب راوندی، *فقه القرآن*، ج ۱، ص ۳۵۷.

۷. ابوالفتوح رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۴، ص ۴۸۰.

۸. قطب راوندی، *فقه القرآن*، ج ۱، ص ۳۵۷.

۹. عظیمی‌نیا، «بررسی رابطه حکومت و امربه معروف و نهی ازمنکر»، *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ش ۳۸، ص ۳۴.

۱۰. حبیبی، «جایگاه و نقش مردم در امربه معروف و نهی ازمنکر مسئولان حکومتی از دیدگاه فقه امامیه»، *نشریه مطالعات علوم سیاسی*، ش ۱، ص ۲۶۴.

اجرای امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و وظایف و اختیارات حاکم اسلامی در باب عبادات و دانستن نقش حاکم در اجرای احکام اسلامی در عبادات را بررسی نموده است.^۱ موسی زاده در نوشتاری به بحث نسبت «فهم سیاسی» و «فقه سیاسی» در امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است و امر به معروف و نهی از منکر را برای تحقق اهداف حکومت اسلامی لازم دانسته و آن را مهم‌ترین راهکار برای تحقق فقه سیاسی و حکومت اسلامی می‌داند.^۲

بررسی آثاری که در این زمینه نوشته شده نشان داد، نوشتاری که به بررسی آراء مفسرین در زمینه نقش حکومت در امر به معروف و نهی از منکر در دوره‌های مختلف تاریخی پرداخته باشد، وجود ندارد. در این نوشتار تلاش شده تا دیدگاه‌های مفسرین دوره‌های مختلف تاریخی در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و جمع‌بندی مناسب همراه با تقریب این دیدگاه‌ها ارائه گردد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، مورد اتفاق مفسرین قرآن در تمامی دوره‌های تاریخی بوده است. از دیدگاه مفسرین، امر به معروف و نهی از منکر از فروع ابواب امامت است؛^۳ یکی از ویژگی‌های امت پیامبر ﷺ،^۴ موجب محافظت از جامعه مسلمانان و حفظ وحدت ایشان^۵ و به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جامعه است،^۶ و جوب آن به حکم عقل و ادله سمعی تأکید بر حکم عقل است.^۷ ترک این فریضه موجب تسلط افراد ستمکار بر مسلمانان و عدم احترام به بزرگان، رحم نکردن به کودکان، به اجابت نرسیدن دعاها و آمرزیده نشدن گناهان می‌باشد.^۸

بررسی دیدگاه مفسرین متقدم و متأخر بیانگر آن است که نسبت به اهمیت این فریضه در گذر زمان تغییری ایجاد نشده است و مفسرین قدیم و جدید با استفاده از آیات و روایات بر اهمیت این فریضه تأکید داشته‌اند. اگرچه هرچه به زمان متأخر نزدیک می‌شویم در باب شرایط امر به معروف و وظایف سازمانی حکومت نسبت به این فریضه اختلاف دیدگاه‌هایی وجود دارد.

۱. دانیاری، نقش حکومت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر.

۲. موسی زاده، نسبت «فهم سیاسی» و «فقه سیاسی» در امر به معروف و نهی از منکر، ص ۷۰۹.

۳. ابوالفتوح رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ص ۲۷.

۴. بحرانی، *البرهان*، ج ۱، ص ۶۷۴.

۵. فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ج ۱، ص ۳۶۷.

۶. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۳۵.

۷. طبرسی، *تفسیر جوامع الجامع*، ج ۱، ص ۱۹۴.

۸. همان، ص ۱۹۵.

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

۱. وجوب کفایی و وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر

برخی از مفسرین قدیم و جدید از جمله قطب راوندی، ابوالفتوح رازی، رشید رضا، علامه طباطبایی و مکارم شیرازی در خلال بحث‌های تفسیری، اشارات فقهی به مقوله امر به معروف داشته و بحث‌های مفصلی در زمینه شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر ارائه نموده‌اند. گروهی از مفسرین امر به معروف را واجب کفایی و گروهی دیگر واجب عینی می‌دانند. شیخ طوسی،^۱ قطب راوندی^۲ و رشید رضا با تبعیضیه خواندن «من» در آیه ۱۱۰ آل عمران، وجوب را کفایی می‌دانند.^۳ بیضاوی،^۴ فخر رازی^۵ و ابوالفتوح رازی^۶ با بیانیه خواندن «من» قول به وجوب عینی بودن را انتخاب کرده‌اند. برخی از مفسرین معتقدند دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که اگر واجب باشد، طبعاً واجب کفایی خواهد بود؛ چون بعد از آنکه فرضاً یکی از افراد اجتماع این امور را انجام داد، دیگر معنا ندارد که بر سایر افراد اجتماع نیز واجب باشد که همان کار را انجام دهند^۷ و در امر به معروف فرقی بین واجب کفایی و عینی وجود ندارد.^۸ با بررسی دیدگاه مفسرین متقدم و متأخر معلوم شد که تفاوت معناداری بین دیدگاه مفسرین متقدم و متأخر، نسبت به کفایی یا عینی بودن وجوب امر به معروف وجود ندارد.

۲. نقش علم در وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر

نقش علم در وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر در کلام برخی مفسرین مطرح شده است. سؤال این است که آیا علم به روش امر به معروف و نهی از منکر از شرایط وجوب است؟ آیا این فریضه، تنها وظیفه علمای امت و نیز افراد آگاه نسبت به حلال و حرام است یا شامل عموم مؤمنین می‌شود؟ در این صورت گفته می‌شود افرادی که علم به حلال و حرام ندارند و افرادی که روش امر به معروف را بلد نیستند، تکلیفی نسبت به این مقوله ندارند، جز اینکه ابتدا لازم است مقدمات آن را در خود ایجاد نمایند. در این شرایط بر حکومت دینی لازم خواهد بود در تمهید این مقدمات برنامه‌ریزی نماید و افرادی را برای انجام این فریضه تربیت نماید.

۱. طوسی، *التبیان*، ج ۲، ص ۵۴۸.

۲. قطب راوندی، *فقه القرآن*، ج ۱، ص ۳۵۷.

۳. رشید رضا، *تفسیر المنار*، ج ۴، ص ۲۷.

۴. بیضاوی، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج ۳، ص ۱۵۹.

۵. فخر رازی، *تفسیر کبیر*، ج ۸، ص ۳۱۵.

۶. ابوالفتوح رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۴، ص ۴۸۰.

۷. طباطبایی، *المیزان*، ج ۳، ص ۳۷۳.

۸. جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۵، ص ۲۶۰.

طبرانی،^۱ ابن عربی،^۲ طبرسی،^۳ و ملافتح‌الله کاشانی^۴ با بیان ادله‌ای من جمله ضرورت آگاهی به احکام دین و روش امر به معروف و نهی از منکر، این فریضه را وظیفه دانایان می‌دانند. در روایات نیز اشاره شده که امر به معروف بر فردی واجب است که قوی باشد و مورد اطاعت قرار گیرد^۵ و همچنین به معروف و منکر آگاهی داشته باشد.^۶ در مقابل، عده‌ای از مفسرین علم را شرط وجوب نمی‌دانند و می‌گویند فرض در دین اسلام این است که مسلمان بر واجبات خود آگاهی دارد، شناخت معروف و منکر کار سخت و شاقی نیست. عقل، فطرت، قرآن و سنت پیامبر همه انسان‌ها را در شناخت معروف و منکر راهنمایی می‌کنند.^۷ فخر رازی «من» را در آیه شریفه «ولتکن منکم» بیانیه می‌داند و امر به معروف را وظیفه همگانی می‌داند و می‌گوید هیچ مکلفی نیست مگر اینکه امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب است؛ با دست، زبان، قلب و هر وسیله دیگر و از طرفی بر هر کس واجب است که ضرر را از خودش دفع کند.^۸ رشید رضا در جایی دیگر امر به معروف را به دو نوع تقسیم نموده و بین این دو نظر جمع نموده است. قسم اول آن است که برخی از مسلمانان برخی دیگر را دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. این طریق وظیفه علمای امت است و از آیه شریفه «نفر» فهمیده می‌شود. طریق دیگر دعوت جزئی و خاص است که بین افراد اتفاق می‌افتد و این طریق، هم وظیفه عالم است هم جاهل؛ چرا که همه وظیفه دارند یکدیگر را به خیر دعوت کنند و از شر باز دارند.^۹

نقش حکومت در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر

یکی از ابعاد مهم امر به معروف و نهی از منکر، بعد حاکمیتی است. سؤال این است که آیا آیات قرآن کریم دلالتی بر وظیفه حکومت دینی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر دارد یا خیر؟ توجه به نقش حکومت در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه در دوران غیبت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، چرا که الگوی حکومت دینی در زمان معصوم از سبقه طولانی برخوردار نبوده است و اغلب حکومت‌های صدر

۱. طبرانی، تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲. ابن عربی، تفسیر ابن عربی، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۹۵.

۴. کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۲، ص ۲۹۲.

۵. بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۶۷۴.

۶. حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۸۰.

۷. رشید رضا، المنار، ج ۴، ص ۲۷.

۸. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۳۱۴.

۹. رشید رضا، المنار، ج ۴، ص ۲۷.

اسلام تاکنون در دست افراد غیرمعصوم بوده است. از آنجایی که سابقه حکومت‌های شیعی در دوران غیبت طولانی نبوده، علمای شیعه سلف کمتر به این موضوع پرداخته‌اند، ولی علمای متأخر در صده اخیر به‌ویژه در دوران شکل‌گیری حکومت اسلامی در ایران، بیشتر به این موضوع پرداخته‌اند. اهمیت رابطه امر به معروف و حکومت آن قدر عمیق است که برخی از اندیشمندان اسلامی ضرورت تشکیل حکومت دینی را از باب اجرای امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند؛^۱ چرا که انجام کامل این فریضه بدون داشتن حکومت میسر نیست. به علاوه تشکیل و حفظ حکومت دینی در نگاه برخی از اندیشمندان به عنوان یکی از واجبات و معروف‌ها مطرح شده است.^۲

برخی از مفسرین با استشهاد به کلمه «أُمَّة» در آیه شریفه «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۳ و نیز با استناد به کلمه «مَكْتَنَّهُمْ» در آیه شریفه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۴ بیان داشته‌اند که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بر عهده حکومت است و حکومت دینی وظیفه ساماندهی امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارد. در این بخش از نوشتار به دیدگاه مفسرین متقدم و متأخر در زمینه نقش حکومت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازیم:

۱. معنا و مصداق تمکن در امر به معروف و نهی از منکر

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.^۵

یک. معنای لغوی و اصطلاحی تمکن

تمکن به عنوان یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است. در آیه ۴۱ سوره مبارکه حج واژه «مَكَّنَّا» از ماده «تمکین»، و «تمکین» به معنی فراهم ساختن وسائل و ابزار کار است، اعم از آلات و ادوات لازم یا علم و آگاهی کافی و توان و نیروی جسمی و فکری.^۶ مفسرین با استناد به آیه مذکور بیان داشته‌اند که تمکن، یکی از شروط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است.

۱. حلی، *المسلك في اصول الدين*، ص ۲۶۶.

۲. امام خمینی، *ولایت فقیه: حکومت اسلامی*، ص ۱۷.

۳. آل عمران / ۱۰۴.

۴. حج / ۴۱.

۵. حج / ۴۱.

۶. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

دو. عمومی یا اختصاصی بودن مصادیق آیه

عمومی یا اختصاصی بودن آیه مورد اختلاف مفسرین می‌باشد. گروهی از مفسرین معنای آیه را محدود به افراد خاص نموده و مراد آیه را چهار نفر از اصحاب پیامبر می‌دانند. ابن عباس می‌گوید مراد مهاجر، انصار و تابعین هستند. قتاده می‌گوید اینها اصحاب پیامبر هستند.^۱ حویزی می‌گوید این آیه در شأن آل پیامبر و امام زمان علیه السلام و اصحاب ایشان است که خداوند ایشان را مالک شرق و غرب عالم می‌کند و دین خودش را بر سایر ادیان غالب می‌نماید.^۲ در مقابل، برخی مراد آیه را گسترش داده و برای عمومی از مردم که ویژگی خاص دارند در نظر گرفته‌اند. عکرمه می‌گوید: اینها اهل نمازهای پنجگانه هستند. حسن و ابوالعالیه می‌گویند: اینها امت پیامبرند درحالی که پیروزی یافته‌اند.^۳ مراد از «مؤمنین» عموم مؤمنین آن روز، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت است، و این خصیصه و طبع هر مسلمانی است.^۴

سه. مصداق تمکن

اکثر مفسرین متقدم، بدون اشاره به نقش حکومت، مراد از تمکن را داشتن امکانات برای انجام کار در نظر گرفته،^۵ تمکن را به تسلط و نفوذ کلام در مردم تعبیر کرده‌اند.^۶ از این منظر، مراد از تمکن هر آن چیزی است که برای انجام کار به آن نیاز است، مانند علم، ابزار، سلامتی و امثال آن.^۷ تمکین اقتداری است که قادر باشند با آن هر کاری بخواهند برای جامعه انجام دهند و مانع و مزاحمی سر راه آنها نباشد. اگر برای انجام کاری امکانات و ابزاری لازم است، تا زمانی که آن ابزار فراهم نشود تمکن معنا پیدا نمی‌کند. اموری مانند علم، راهنما و سلامت بدن، از اموری است که برای تمکن مورد نیاز است.^۸ بخش عمده‌ای از مفسرین متأخر و نیز تعداد اندکی از مفسرین متقدم، معنای تمکن را گسترش داده، حکومت اسلامی را از آن استنباط نموده‌اند و گفته‌اند این شرط (ان مگتاهم) برای کسانی است که به حکومت رسیده‌اند. سهل بن عبدالله می‌گوید امر به معروف بر سلطان و علمایی که نزد سلطان می‌روند واجب است.^۹ جماعت ماذونان کسانی‌اند که مکانت و قدرت یا اذن به قتال و حکومت در زمین به ایشان

۱. قرطبی، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱۲، ص ۷۳.

۲. حویزی، *تفسیر نور الثقلین*، ج ۳، ص ۵۰۶.

۳. قرطبی، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱۲، ص ۷۳.

۴. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۴، ص ۳۸۷.

۵. طبرسی، *تفسیر جوامع الجامع*، ج ۳، ص ۵۱.

۶. فخر رازی، *تفسیر کبیر*، ج ۲۳، ص ۲۳۰.

۷. ابن شهر آشوب، *مشابه القرآن و مختلفه*، ج ۱، ص ۱۱۸.

۸. طوسی، *التبیین*، ج ۷، ص ۳۲۲.

۹. قرطبی، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱۲، ص ۷۳.

داده شود،^۱ هر زمان مسلمانان اقتدار یافتند مکلف به این آیه خواهند بود.^۲ مراد از قدرت دادن در زمین، حکومت و سلطنت است؛ چراکه خداوند سوگند یاد کرده است که حاکمان را یاری می‌کند، مشروط بر اینکه آنان حق خدا را که بر خودشان دارد، ادا کنند و نیز حق او را که در اموالشان دارد، پرداخت کنند.^۳ در این آیه پیروزی مسلمانان و یاری الهی مقدمه‌ای برای ساختن خویش و جامعه لحاظ شده است. مسلمانان پس از پیروزی، به سالم‌سازی جامعه می‌پردازند و جامعه‌ای بر اساس کارهای پسندیده بنا می‌کنند.^۴

سید قطب از جمله پیشتازان نظریه حکومتی بودن امر به معروف است که بر وجود قدرت و سلطه در حکومت جهت حسن انجام این فریضه تأکید می‌کند. از نظر ایشان پیامبران صرفاً وظیفه ارشاد را ندارند بلکه آمده‌اند تا مورد اطاعت قرار گیرند. از آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۵ استفاده می‌شود که وظیفه دین فقط ارشاد و بیان نیست بلکه در کنار ارشاد، ایجاد سلطه نیز لازم است.^۶ به این منظور لازم است حکومتی دارای سلطه و قدرت وجود داشته باشد، چرا که امر و نهی بدون قدرت و سلطه انجام نمی‌شود. این سلطه موجب یکپارچگی امر به معروف می‌گردد و ریسمانی برای اتحاد مسلمین است و نیز موجب قوام این دو فریضه می‌شود.^۷

۲. وظایف حکومت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر

وظایف متعددی برای حکومت اسلامی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است. مفسرین قرآن با استفاده از آیات قرآن وظایف متعددی را در این زمینه بیان نموده‌اند. این وظایف از طیف وسیعی برخوردار است که از آموزش شروع می‌شود و تا مرحله تنبیه و جهاد ادامه پیدا می‌کند.^۸ در این بخش از نوشتار به برخی از وظایف حکومت در زمینه امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌شود:

۱. تربیت و حمایت نیروی انسانی فعال در امر به معروف و نهی از منکر از وظایف حکومت است. کلمه «أُمَّةً» در آیه شریفه «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ»،^۹ بیش از معنای گروهی، هم‌هدفی و هماهنگی

۱. کاشانی، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، ج ۶، ص ۱۶۰.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۴، ص ۳۸۶.

۳. مغنیه، *ترجمه تفسیر کاشف*، ص ۴۴۰.

۴. رضایی اصفهانی، *تفسیر قرآن مهر*، ج ۱۳، ص ۳۰۷.

۵. نساء / ۶۴.

۶. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۳۵۷.

۷. همان، ج ۱، ص ۴۴۳.

۸. قرشی بنابی، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۲، ص ۱۵۳.

۹. آل عمران / ۱۰۴.

را می‌رساند. لذا لازم است در مراکز اسلامی گروه‌هایی تربیت شوند و اصول خیر و معروف و منکر و احوال و تاریخ ملل و ادیان و مذاهب و مسالک و روحيات و خوی‌ها و مراتب رشد و عقب‌ماندگی‌ها و آزادی و دربند بودن‌های آنها را فراگیرند^۱ تا نسبت به ادای این فریضه در سطح جامعه کوشا باشند. طنطاوی بر صلاحیت افراد مشخص شده در حکومت برای انجام صحیح امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌کند؛^۲ بنابراین، یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیت در موضوع امر به معروف ساماندهی آموزش‌های مرتبط و پرورش نیروی متبحر، جهت ادای این فریضه است. علاوه بر تربیت، حمایت از آمران و ناهیان، از وظایف مهم حکومت است.^۳ همه دستگاه‌های حکومت باید از امر به معروف و ناهی از منکر دفاع کنند. این، وظیفه است. مبدا کسانی باشند که اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کرد، از او حمایت نکنند، بلکه از مجرم حمایت کنند.^۴

۲. نظارت بر امور جامعه یکی از وظایف حاکمیت در زمینه امر به معروف و نهی از منکر است. آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» دلالت دارد بر اینکه تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمان‌های دولتی، وظیفه حکومت دینی است.^۵ در جامعه اسلامی، باید گروهی که مورد تأیید نظام هستند، بر رفتارهای اجتماعی مردم نظارت داشته باشند.^۶ بر همین مبنا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وظایف نظارتی از قبیل نظارت رهبری بر قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح، نظارت قوای سه‌گانه بر یکدیگر و نظارت دستگاه‌های دولتی بر مردم، برای طرف حاکمیت طراحی شده است.^۷

۳. ایجاد سازمانی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر از وظایف حکومت دینی است. از جمله وظایف حکومت دینی آن است که با امر به معروف و نهی از منکر نسبت به ریشه‌کن کردن فتنه‌ها و اختلافات اجتماعی اقدام کند.^۸ ارشاد مردم به مصالح دینی و دنیایی آنان، یکی از محاسن بعثت انبیاست که از وظایف حاکم نیز به شمار می‌رود.^۹ در گذشته برخی ممالک اسلامی تشکیلاتی به نام اداره حسبه داشته و ماموران آن به نام محتسب و یا آمرین به معروف وجود داشته است که مامور بودند با همکاری

۱. طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۵، ص ۲۶۰.

۲. طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳. مصباح یزدی، بزرگترین فریضه، ص ۹۷.

۴. خامنه‌ای، ۱۳۷۱، ۸۸۱۱، https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=8811

۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶.

۶. قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۷۸.

۷. شاه علی، شیوه‌های نظارت و اعمال آنها در نظام مردم سالار اسلامی از منظر قانون اساسی، ص ۳۱.

۸. حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۲۸۰.

۹. حلی، المسلك، ص ۱۵۴.

یکدیگر با هرگونه فساد و زشت‌کاری در میان مردم، یا هرگونه ظلم و فساد در دستگاه حکومت مبارزه کنند و همچنین مردم را به کارهای نیک و پسندیده تشویق نمایند.^۱ تأسیس سازمانی تحت عنوان امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر موجب خواهد شد که این فریضه به نحو شایسته‌تری اجرا شود. بر همین اساس بود که امام خمینی علیه‌السلام به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی، یکی از ارگان‌های تأسیسی در این نظام را تحت عنوان امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر ایجاد کرد.

شورای انقلاب اسلامی به موجب این مأموریت دارد که اداره‌ای به اسم «امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر» در مرکز تأسیس نماید؛ و شعبه‌های آن در تمام کشور گسترش پیدا کند؛ ... این اداره مأمور است که در سراسر کشور از منکرات به هرصورت که باشد جلوگیری نماید و حدود شرعیه را تحت نظر حاکم شرعی یا منصوب از قبیل او، اجرا نماید.^۲

بدیهی است تأسیس چنین ارگانی، نفی‌کننده وظایف سایر ارگان‌ها در جهت گسترش معروف‌ها و مبارزه با منکرات نخواهد بود. از جمله وظایف حاکمیت، جلوگیری از سوءاستفاده از امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر است. حساب صاف‌کردن‌ها، به خرده حساب‌های گذشته رسیدن، پرده‌دری، آبروریزی، تعرض به نوامیس و عرض و مال این و آن، به بهانه این واجب الهی، اینها نباید باشد.^۳

۴. تقابل فیزیکی با منکرات از جمله وظایف حکومت دینی است. سختی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، وجود افراد زورگو، اصرار برخی از گناهکاران نسبت به رفتار خود، عدم تأثیر گفتارهای لاین برای برخی از افراد، تنفر برخی از گناهکاران از عدالت و مواردی از این قبیل، وجود قدرت و سلطه برای انجام امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را ضرورت می‌بخشد.^۴ مراحل ابتدایی امربه‌معروف از قبیل تذکر لسانی، ارشاد، مجادلات لفظی و امثال آن، وظیفه عموم مردم است. اما گاهی اوقات نهی‌ازمنکر مستلزم برخوردهای فیزیکی از قبیل ضرب و جرح، دستگیری، زندان و امثال آن است. این بخش که مستلزم برخورد قاطع با مفساد و انحرافات سازمان‌یافته است از عهده عموم مردم خارج و وظیفه حاکمیت است.^۵ از آنجا که این مرحله شامل شدت عمل و اجرای حدود و تعزیرات نیز می‌شود، این موارد باید زیر نظر حاکم شرع و با اجازه حکومت اسلامی انجام گیرد تا از هرج‌ومرج در جامعه جلوگیری شود.^۶

۱. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۳۶.

۲. امام خمینی، *صحیفه امام*، ج ۹، ص ۲۱۳.

۳. خامنه‌ای، ۱۳۷۱، ۸۸۱۱، https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=8811

۴. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۳۵۷.

۵. مصباح یزدی، *بزرگترین فریضه*، ص ۹۷.

۶. رضایی اصفهانی، *تفسیر قرآن مهر*، ج ۳، ص ۲۰۷.

نقش حکومت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه مفسران متقدم و متأخر □ ۷۳

۵. تقابل سازمان یافته با مفاسد از جمله وظایف حکومت در زمینه امر به معروف و نهی از منکر است. از آنجا که مقابله با منکرات و گسترش معروف‌ها، با انجام اقدامات سازمان یافته، از قوت بیشتری برخوردار خواهد بود، یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی، تلاش‌های سازمانی در جهت مقابله با منکرات است. هموار کردن زمینه‌های اجرای امر به معروف از جمله وظایف حکومت دینی است. وظیفه مسئولین، قانونگذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنند.^۱ تلاش‌های سازمانی، از قبیل تحریم کالاهای تولیدی دشمن، مقابله با انحرافات سازمان یافته، اعمال سیاست‌های ممیزی در تولیدات فرهنگی و مواردی از این قبیل از جمله وظایف حکومت دینی در مقابله با منکر است.^۲

۶. مبارزه مسلحانه با اشرار، یکی از وظایف حکومت اسلامی است. قطب راوندی استفاده از سلاح در نهی از منکر را به حسب ضرورت جایز می‌داند و می‌گوید در جایی که وعظ و ترساندن و استفاده از دست کافی نباشد، حمل سلاح جایز است و نهی از منکر در این شرایط باید با اجازه خلیفه زمان و سلطان وقت باشد.^۳ سیاق آیات سوره حج (۳۹ تا ۴۱) نشان می‌دهد، خداوند به کسانی که پس از رسیدن به حکومت اهل اقامه نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر هستند، اجازه قتال داده است.^۴ اگرچه اساس پیشرفت اسلام بر مبنای اقتناع و عقل است، اما در مواردی که افرادی اهل ظلم به دیگران و گسترش فساد هستند، اسلام دستور به استفاده از شمشیر می‌دهد و می‌فرماید تا رفع کامل فتنه با این گونه افراد مبارزه مسلحانه صورت پذیرد.^۵ دستگاه حکومت موظف است جلوگیری قهرآمیز از گناه داشته باشد؛ آن جلوگیری قهرآمیز گاهی با ضرب همراه است، گاهی با بالاتر از ضرب.^۶

نتیجه

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه اجتماعی است که اجرای صحیح و کامل آن مستلزم ایجاد حکومت دینی مقتدر می‌باشد. بین مفسرین متقدم و متأخر در زمینه نقش حکومت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر اختلاف دیدگاه وجود دارد. مفسرین متأخر با مورد توجه قراردادن کلمه «مکَّناً»

۱. خامنه‌ای، ۱۳۷۱، https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=8811.

۲. مصباح یزدی، *بزرگترین فریضه*، ص ۱۴۵.

۳. قطب راوندی، *فقه القرآن*، ج ۱، ص ۳۵۷.

۴. کاشانی، *منهج الصادقین*، ج ۶ ص ۱۶۰.

۵. طباطبایی، *المیزان*، ج ۴، ص ۱۶۴.

۶. جوادی آملی، *پیام به همایش بین‌المللی شهروند مسئول*.

در عبارات قرآن کریم، معنی این واژه را گسترش داده، به گونه‌ای که مفهوم حکومت را از آن استفاده نموده‌اند؛ درحالی‌که مفسرین متقدم کمتر این واژه را در معنای حکومت ذکر نموده‌اند و معانی حداقلی برای آن در نظر گرفته‌اند. بررسی‌های این پژوهش نشان داد، وجوب تشکیل حکومت دینی، برگرفته از وجوب امر به معروف و نهی از منکر است و مفسرین گرامی، اموری از جمله تأسیس سازمانی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر، تربیت نیروی متخصص جهت امر به معروف، حمایت از آمران به معروف، بسترسازی انجام معروف و ازین بردن زمینه‌های بروز منکرات، نظارت بر عملکرد دینی مردم و مسئولان، مبارزه لسانی، فیزیکی و مسلحانه با منکر و مقابله سازماندهی شده با منکرات را به عنوان وظایف حکومت دینی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر بیان داشته‌اند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مشابه القرآن و مختلفه*، قم، بیدار، ۱۳۶۹ ق.
- ابن عربی، محمد بن علی، *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- امام خمینی، سید روح‌الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
- امام خمینی، سید روح‌الله، *ولایت فقیه: حکومت اسلامی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲ ش.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، تهران، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *پیام به همایش بین‌المللی شهروند مسئول*، ۱۳۹۰ ش؛ <https://hawzah.net/fa/News/View/90539>
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- حبیبی، عبدالله، «جایگاه و نقش مردم در امر به معروف و نهی از منکر مسئولان حکومتی از دیدگاه فقه امامیه»، *نشریه مطالعات علوم سیاسی*، ۱۴۰۰، دوره هفتم، ش ۱، ص ۲۶۴.

نقش حکومت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه مفسران متقدم و متأخر □ ۷۵

- حلی، نجم الدین، *المسلک فی اصول الدین*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ ق.
- حلی، نجم الدین، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مؤسسه سید الشهداء، ۱۴۰۷ ق.
- حلی، نجم الدین، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، ۵ ج، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- خامنه‌ای، سید علی، <https://khamenei.ir>
- دانیاری، محمد، *نقش حکومت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر*، قم، زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام، ۱۴۰۱ ق.
- رضا، محمد رشید، *تفسیر القرآن الحکیم بتفسیر المنار*، ۱۲ ج، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴ ق.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
- سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ۶ ج، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
- شاه علی، احمد رضا، «شیوه‌های نظارت و اعمال آنها در نظام مردم‌سالار اسلامی از منظر قانون اساسی»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۱۳۹۸ ش، ش ۲۹.
- طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۳۹۰ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *تفسیر کبیر*، اردن، دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
- طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
- طنطاوی، محمد سید، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۷ م.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۵ ق.
- عظیمی‌نیا، فرخنده، «بررسی رابطه حکومت و امر به معروف و نهی از منکر»، *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۱۴۰۰، ش ۳۸.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فیض کاشانی، مرتضی، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ۱۰ ج، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، ۱۲ ج، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله، *فقه القرآن*، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.

- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
- مصباح یزدی، سید محمد تقی، *بزرگترین فریضه*، تدوین و نگارش قاسم شبان‌نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۹.
- مغنیه، محمدجواد، *التفسیر المبین*، قم، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۲۵ ق.
- مغنیه، محمدجواد، *ترجمه تفسیر کاشف*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- موسی‌زاده، ابراهیم، «نسبت «فهم سیاسی» و «فقه سیاسی» در امریه معروف و نهی از منکر»، *فصلنامه سیاست*، ۱۳۹۳، دوره ۴۴، ش ۴.